

تأثیر موسیقی درمانی در حذف رفتارهای کلیشه ای کودکان:

فضای موسیقی درمانی به دلیل برخورداری از ماهیت خاص، فرصتهای را برای کودک فراهم می کند تا او ضمن انجام فعالیتهای حسی- حرکتی و ادراکی و نیز پرداختن به علائق خاص خود ناگزیر به اجتناب از رفتارهای کلیشه ای گردد. هر چه فعالیتهای موسیقایی برای کودک پر جاذبه تر باشد و هیجان مثبت بیشتری را به کودک بدهد از رفتارهای قالبی او بیشتر می کاهد.

در جلسات درمانی برای تأثیر بیشتر موسیقی روشهای زیر را انجام شود:

* نوع موسیقی مورد علاقه کودک را کشف و ضمن تنوع بخشیدن به آن کودک را با آن درگیر نماید.
* عواملی را که موجب اضطراب کودکان ویا پناه بردن به دنیای درون و انجام رفتارهای قالبی می گردد شناسایی کند. این عوامل می تواند محرکهای بی ارتباط به درمان یا برخی از وسایل سازها و ابزار موسیقی باشد که کودک به آن علاقه ای ندارد.

* کودک را هرگز به حال خود رها نکنید. این بدان معنی نیست که آزادی کودک را سلب کنیم بلکه یک درمانگر ورزیده انواع محرکهای موسیقایی مورد علاقه و پرجاذبه برای کودک را باید به صورت سازمان یافته دقیق و علمی و نیز بصورت مستقیم یا غیر مستقیم به کودک ارائه نماید. در اینصورت کودک ضمن اینکه به فعالیتهای مورد علاقه خود پرداخته است و همچنین فرصت پرداختن به رفتارهای تکراری و کلیشه ای را نیز نداشته است.

* هرچند تکنیکهای منفعل مانند گوش دادن به موسیقی و شنیدن صداها در کاهش رفتارهای تکراری موثر است، اما والدین و درمانگران باید بویژه در مراحل بعدی درمان از تکنیکهای فعال بیشتر استفاده نمایند.

* والدین و درمانگران باید به این نکته توجه کنند که گاهی علاقه کودک به یک محرک موسیقایی مانند صدا، آواز، نواختن و نظیر آن ممکن است کودک را وادار به تکرار نماید. به نوعی که آن رفتار ویژگیهای رفتار کلیشه ای را پیدا کند، در این مواقع درمانگران و والدین باید تلاش کنند تا از روشهایی چون جایگزینی محرکهای دیگر، اجتناب موقت از ارائه محرک مورد علاقه کودک، تنوع بخشیدن به علائق کودک و نظیر آن از انجام رفتار کلیشه ای توسط کودک ممانعت شود.